

## تحلیل انتخابات و نظام انتخاباتی در جمهوری فرانسه

علیرضا صلواتی<sup>۱</sup>، حجت الله درویش پور<sup>۲</sup>، احمد بخشایش اردستانی<sup>۳</sup>، مسعود مطلبی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸

### چکیده:

فرانسه کشوری است دارای یک سیستم نیمه پارلمانی-نیمه ریاستی که هم رئیس جمهور و هم پارلمان با رای مردم انتخاب می شوند؛ از این رو انتخابات دارای جایگاه ویژه ای در سیستم سیاسی فرانسه است. نظر به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر در صدد بررسی سیستم انتخاباتی جمهوری فرانسه است. سوال اصلی این پژوهش برآنست که سیستم انتخاباتی فرانسه بر چه مبنایی شکل گرفته است؟ فرضیه این پژوهش نیز بر آنست که سیستم انتخاباتی فرانسه یک سیستم انتخاباتی دو مرحله ای با اکثریت مطلق در دوره اول و اکثریت نسبی در دوره دوم انتخابات است. به این معنی که هم در انتخابات ریاست جمهوری و هم انتخابات مجلس ملی، نامزدهای انتخاباتی باید حداقل نیمی از آراء مأخوذه را به خود اختصاص داده، در غیر این صورت انتخابات به مرحله دوم کشیده می شود که در انتخابات ریاست جمهوری دو نفر اول و در انتخابات مجلس ملی، نامزدهایی که حداقل ۱۲/۵ درصد از آراء مأخوذه را به خود اختصاص داده باشند به مرحله دوم انتخابات راه پیدا می کنند. در مرحله دوم که مبتنی بر اکثریت ساده است، نامزدهایی که بیشترین آراء را کسب کنند، پیروز انتخابات می شوند. پیچیدگی اصلی انتخابات فرانسه در اختصاص کرسی ها به احزاب پیروز در انتخابات مجلس ملی است که کرسی ها بر اساس فرمول خاصی بین احزاب پیروز تقسیم می شوند و هر چه درصد آراء کسب شده توسط احزاب و ائتلاف های انتخاباتی بیشتر باشد، میزان کرسی های اختصاص یافته به آن ها به طور تصاعدی بالاتر می رود. همچنین یافته ها بر این تأکید دارند که سیستم انتخاباتی در عمل به نفع احزاب بزرگ و به زیان احزاب کوچک است. به همین دلیل معمولاً احزاب ترجیح می دهند که به سمت ائتلاف های انتخاباتی رفته و چند حزب با هم ائتلاف کنند تا سهم بیشتری از کرسی های مجلس به دست آورند.

**واژگان اصلی:** انتخابات؛ فرانسه؛ اکثریت نسبی؛ اکثریت مطلق؛ فرمول دنت؛ پلورالیسم.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
Email: Dr.darvishpur2018@yahoo.com

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱. بیان مسأله

فرانسه یکی از کشورهایی است که بیشترین تغییرات را در نظام سیاسی خود طی دو قرن اخیر تجربه کرده است و نهایتاً به جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۸ رسید؛ اما استقرار جمهوری پنجم نیز آخرین تغییر در نظام سیاسی فرانسه نبود و تاکنون اصلاحات بنیادی فراوانی در جمهوری پنجم و قانون اساسی این کشور انجام گرفته است. از مهمترین این تغییرات می‌توان به تغییر رئیس‌جمهور از یک مقام تشریفاتی به نفر اول اجرایی و رئیس‌جمهوری فرانسه اشاره کرد. همچنین پارلمان این کشور نیز که زمانی دارای قدرت مطلق بود، اکنون نقش آن به یک نقش قانونگذاری و نظارتی در جمهوری پنجم فرو کاسته شده است. البته عمده این تغییرات به صورت اصلاح در قانون اساسی و رای همگانی یا فراندوم انجام گرفته است که این امر نشان از جایگاه ویژه انتخابات و رای همگانی در سیستم سیاسی فرانسه است. به همین دلیل این پژوهش در صدد بررسی نظام انتخاباتی جمهوری فرانسه است.

در بخش نخست این پژوهش، نظام انتخاباتی ریاست جمهوری فرانسه بررسی خواهد شد و در بخش دوم، ابتدا به مجلس سنا و سپس به سیستم انتخاباتی مجلس شورای ملی و نحوه تخصص آراء و تبدیل رای به کرسی پرداخته خواهد شد. فرانسه دارای یک سیستم اجرایی نیمه‌ریاستی است که در رأس آن رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد. رئیس‌جمهور در جمهوری فرانسه از طریق رای مستقیم و همگانی مردم انتخاب می‌شود؛ که البته شرایط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه به گونه‌ای است که عملاً افراد مستقل و وابسته به احزاب کوچک شانسی برای کاندیداتوری در این انتخابات ندارند. جمع آوری ۵۰۰ امضا به عنوان شرط اصلی نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری، شرایطی را به وجود آورده فقط رجال سیاسی مطرح و وابستگان احزاب بزرگ می‌توانند در این انتخابات نامزد شوند. علاوه بر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر نیز به عنوان رئیس کابینه، دارای جایگاه ویژه‌ای در سیستم اجرایی فرانسه است و شرایط به گونه‌ای است که دو رئیس دولت فرانسه - رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر - عملاً از طریق رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. نخست‌وزیر به عنوان نماینده جناح اکثریت پارلمان، نفر دوم در سیستم اجرایی فرانسه است که از بین نمایندگان جناح اکثریت انتخاب می‌شود.

قوه مقننه فرانسه نیز متشکل از دو مجلس سنا و مجلس شورای ملی است که مجلس شورای ملی به واسطه اینکه با آراء مستقیم مردم انتخاب می‌شود از اهمیت بیشتری نسبت به مجلس سنا برخوردار بوده و دارای قدرت بیشتری است. نظام انتخاباتی فرانسه یک نظام پیچیده مبتنی بر احزاب

است که احزاب بزرگ نقش مهمتری در خصوصاً در انتخابات مجلس شورای ملی دارند. نحوه تبدیل رأی به کرسی در نظام انتخاباتی مجلس شورای ملی مبتنی بر یک فرمول پیچیده است که احزاب بزرگ سهم بیشتری از کرسی‌های مجلس می‌برند؛ به همین دلیل احزاب کوچک جهت کسب کرسی‌های بیشتر در مجلس ملی، ترجیح می‌دهند با احزاب بزرگ ائتلاف کرده چرا که به تنهایی شانس برای کسب کرسی در مجلس ملی ندارند. بنابراین این پژوهش در صدد بررسی نظام انتخاباتی ریاست جمهوری و پارلمان فرانسه و نحوه تبدیل رأی به کرسی در این نظام انتخاباتی است.

## ۲. سیستم اجرایی جمهوری فرانسه

سیستم اجرایی فرانسه یک سیستم نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی است که قدرت اجرایی آن در دست رئیس‌جمهور است و رئیس‌جمهور با رأی مستقیم و همگانی مردم انتخاب می‌شود. نظام انتخاباتی ریاست جمهوری در فرانسه طی دوره‌های مختلف تغییراتی فراوانی کرده و رئیس‌جمهور در دوره‌های مختلف از یک مقام تشریفاتی که به طور غیر مستقیم و بدون رأی مردم انتخاب می‌شد، در آخرین اصلاحیه قانون اساسی جمهوری پنجم تبدیل به مقام اجرایی نخست‌کشور شده که با رأی مستقیم و همگانی مردم برای مدت پنج سال انتخاب شده و انتخاب مجدد آن برای یک دوره دیگر بلامانع است.

فرانسویان از سال ۱۷۸۹ (انقلاب کبیر فرانسه) تا سال ۱۹۵۸، پنج جمهوری، دو موناشری، دو امپراطوری و یک نظام دیکتاتوری به نام «دولت فرانسه» را آزمودند. تجربه پانزده قانون اساسی گوناگون از دیگر نشانه‌های ناپایداری نظام‌های سیاسی در این دیار است. ره‌آورد نخستین قانون اساسی فرانسه پی‌ریزی نخستین جمهوری در این کشور است و با آخرین قانون اساسی در سال ۱۹۵۸، جمهوری پنجم تأسیس شد و روح ناآرام فرانسوی‌ها در جمهوری پنجم دست کم نیم قرن است که آرام گرفته است. لذا به راستی می‌توان فرانسه را «موزه نظام‌های سیاسی» دانست.

از مهمترین ویژگی نظام سیاسی در فرانسه ستیز تاریخی و پیوسته بین قوه مجریه و قوه مقننه است. ژنرال دوگل که از سال ۱۹۴۶، به دلیل مخالفت با نظام جمهوری چهارم خود را کنار کشیده بود، پس از جنگ دوم جهانی بار دیگر وارد میدان سیاست شد و به عنوان رئیس دولت از مجلس رای اعتماد گرفت. دوگل بی‌درنگ به فکر تغییر نظام سیاسی افتاد و مجلس نمایندگان را مجلس موسسان اعلام کرد و خواهان نگارش قانونی اساسی دیگری شد. او خواهان دولتی پراقتدار و مجلسی در حاشیه بود و قدرت بی‌اندازه مجلس نمایندگان را بر نمی‌تافت. دوگل از آغاز خواهان

انتخابی شدن رئیس‌جمهور از راه انتخابات مردمی بود. تفکیک واقعی قوا و بدست گرفتن همه اختیارات اجرایی بوسیله قوه مجریه دومین خواسته ژنرال بود. مسئولیت دولت در برابر مجلس، استقلال کامل قوه قضائیه از دیگر خواسته های دوگل برای نگارش قانون اساسی جدید بود (ایوبی، ۱۳۹۱: ۱۲-۹).

سرانجام قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شد و با رأی آری مردم فرانسه روبه رو شد. قانون اساسی جدید، رئیس‌جمهور را به عنوان هماهنگ کننده بین سه قوه و داور و حاکم بی‌هماور بر بالای سر همه احزاب سیاسی و قدرت‌های دیگر نشانده قدرت اجرایی در جمهوری پنجم بین دو نهاد ریاست‌جمهور و نخست‌وزیری توزیع شده است. — همین سبب نظام ریاست‌جمهوری فرانسه نظام دو رئیس‌است (ایوبی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۲). بنا بر قانون اساسی فرانسه، رئیس‌جمهور نماد و سخنگوی فرانسه است و نظام سیاسی فرانسه نظامی ریاستی یا ریاست‌جمهوری است. رئیس‌جمهوری تنها رئیس‌است که برگزیده مستقیم مردم است. رئیس‌جمهور در فرانسه به عنوان نماینده بدون واسطه مردم، نماد هویت ملی است و در مقایسه با دیگر رؤسای دولت‌ها در اروپا از قدرت بسیاری برخوردار است. رئیس‌جمهور حق و اختیار انحلال مجلس ملی را دارد و هر زمان که اکثریت آرای لازم برای تصویب لوایح و قوانین موردنظر خود را در مجلس نداشته باشد، می‌تواند مجلس ملی را منحل نماید (Criddle, 2021: 111).

در جمهوری پنجم فرانسه، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام اجرایی جمهوری است. رئیس‌جمهور از اجرای قانون اساسی مراقبت می‌کند و با داوری خود، فعالیت منظم قوای عمومی و استمرار حکومت را تضمین و تامین می‌کند. قانون اساسی مقرر می‌دارد که رئیس‌جمهور در قبال اعمال رسمی انجام شده در هنگام انجام وظیفه‌اش پاسخگو نخواهد بود؛ مگر در موارد خیانت، که ممکن است با اکثریت آراء اعضای هر دو مجلس ملی و سنا متهم شود و توسط دیوان عالی عدالت محاکمه می‌شود. این دیوان عالی توسط اعضای پارلمان تشکیل می‌شود و فقط برای این منظور خاص ایجاد شده است. در صورت اعلام قطعی کیفرخواست توسط شورای قانون اساسی، انتخاب رئیس‌جمهور جدید انجام می‌شود. رئیس‌دوم سیستم اجرایی جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر است که رئیس‌حکومت نیز هست. نخست‌وزیر پس از برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود. نخست‌وزیر معمولاً بر این اساس انتخاب می‌شود که بتواند از حمایت اکثریت پارلمانی برخوردار شود. رئیس‌جمهور وظایف نخست‌وزیر را با ارائه استعفای دولت از سوی

نخست‌وزیر خاتمه می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت نخست‌وزیر: اقدامات اداره و نیروهای مسلح را هدایت می‌کند؛ مسئولیت دفاع ملی را بر عهده دارد؛ اجرای قوانین را تضمین می‌کند؛ و به استثنای اختیارات پیش‌بینی شده برای رئیس‌جمهور بر اساس قانون اساسی، از اختیارات نظارتی و انتصابی برخوردار است (LIU, 2000: 4).

قانون اساسی دو شخصیت اجرایی مهم یعنی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را در فرانسه پیش‌بینی کرده است. مسئولیت‌های آن‌ها در حوزه سیاست داخلی و دفاع ملی همپوشانی دارد. این حوزه‌ها به زمینه‌ای تبدیل می‌شود که دو مدیر اجرایی برای کسب قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند. به عنوان مثال، در حالی که نخست‌وزیر و شورای وزیران مسئول «تعیین و اجرای سیاست‌های ملی» هستند (اصل ۲۰ قانون اساسی)، رئیس‌جمهور ریاست جلسات شورای وزیران را بر عهده دارد (اصل ۹ قانون اساسی). در نتیجه ممکن است تنش‌های روزانه بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایجاد شود. به عنوان مثال، رئیس‌جمهور فعلی ممکن است علاقمند به انتخاب مجدد باشد در حالی که نخست‌وزیر ممکن است رقیبی بالقوه برای نامزدی ریاست جمهوری باشد. رهبری سیاسی که نخست‌وزیر می‌تواند انجام دهد بستگی به میزان خودمختاری رئیس‌جمهور دارد.

### ۳. نظام انتخاباتی ریاست جمهوری در فرانسه

اصل هفت قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد که: «رئیس‌جمهور به موجب اکثریت مطلق آراء عمومی انتخاب می‌گردد چنانچه در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری آراء کافی حاصل نگردید مرحله دوم در دومین «یکشنبه» انجام می‌پذیرد. در دومین مرحله، صرفاً آن دو نامزدی که پس از کناره‌گیری دو نامزد اول در اولین مرحله، بیشترین آراء را بخود اختصاص داده‌اند، می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند. دعوت به رأی‌گیری با اعلامیه دولت آغاز می‌گردد. انتخاب رئیس‌جمهور جدید باید حداقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۵ روز قبل از اتمام دوره ریاست جمهوری قبلی انجام پذیرد. چنانچه تصدی مقام ریاست جمهوری به هر علتی امکان پذیر نگردد و یا پس از اعلام دولت به شورای نگهبان قانون اساسی درباره وجود مانع در اعمال تصدی و تأیید این امر توسط اکثریت مطلق اعضا شورا، (به استثناء موارد مذکور در اصول ۱۱ و ۱۲ این قانون) موقتاً رئیس مجلس سنا عهده‌دار این امر می‌گردد. و چنانچه رئیس مجلس سنا هم برای اجرا این وظایف عذر داشته باشد، وظایف به عهده دولت محول خواهد شد. در صورتی که شورای نگهبان قانون اساسی رأی به دایمی بودن مانع در تصدی ریاست جمهوری بدهد رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور باید پس از سپری شدن حداقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۵ روز پس از تاریخ بوجود آمدن منظور و با تشخیص شورای نگهبان

قانون اساسی مبنی بر وجود مانع، انجام می‌پذیرد، مگر این که از سوی شورای نگهبان قانون اساسی وضعیت، اضطراری تشخیص داده شود. چنانچه تا ۷ روز قبل از تاریخ پایان مهلت معرفی نامزدهای ریاست جمهوری فردی که حداکثر ۳۰ روز قبل از تاریخ مذکور علناً نامزدی خود را اعلام نموده، فوت نماید یا موانعی برایش ایجاد گردد. شورای نگهبان قانون اساسی می‌تواند تاریخ انتخابات را به تأخیر بیاورد. در صورت فوت یا ایجاد مانع برای یکی از دو نامزدی که بهترین موقعیت را در اولین دور انتخابات قبل از کناره‌گیری احتمالی بدست آورده‌اند، شورای نگهبان قانون اساسی اعلام می‌نماید که باید مجدداً تمام مراحل انتخابات تجدید شود. در صورت فوت یا بروز موانع برای یکی از دو نامزد در دومین مرحله نیز به همین صورت عمل خواهد شد. در هر شرایطی طبق ضوابط تعیین شده در بند «۲» اصل «۶۱» این قانون و یا ضوابط مشخص شده جهت معرفی یک نامزد ریاست جمهوری توسط قانون خاص که در اصل «۶» این قانون پیش‌بینی شده است، به شورای نگهبان قانون اساسی رجوع خواهد شد. و این شورا می‌تواند مهلت‌های مذکور در بندهای مزبور را در صورتی که رأی‌گیری بلافاصله پس از «۳۵» روز بعد از تاریخ تصمیم شورا انجام نگیرد، تمدید نماید. چنانچه اجرای موارد فوق سبب شود که تاریخ انتخابات دقیقاً در زمان پایان دوره ریاست جمهوری واقع شود در این صورت وی سمت خود را تا تعیین رئیس‌جمهور جدید حفظ خواهد نمود و به انجام وظایف خود کماکان ادامه خواهد داد. در صورت تعذر رئیس‌جمهور و یا در مدت زمان بین تاریخی که به طور قطعی مانع برای اجرای وظایف رئیس‌جمهور اعلام گردیده تا تاریخ انتخابات مربوط به تعیین جانشین وی، اصول ۴۹، ۵۰ و ۸۹ قانون اساسی قابل اجرا نمی‌باشند.

همانطور که در قانون اساسی جمهوری پنجم ذکر شده و در بالا نیز اصل هفت آن نقل شد، نظام انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه یک نظام اکثریت دوم‌مرحله‌ای است. نظام دوم‌مرحله‌ای، اساساً سیستمی فرانسوی است که بیشترین قرابت و وابستگی را با تاریخ سیاسی این کشور دارد. بر اساس ماده ۷ متن قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه مصوب ۱۹۵۸، برای انتخاب رئیس‌جمهور در مرحله نخست کسب اکثریت مطلق و در مرحله دوم کسب اکثریت نسبی کافی است. در سیستم اکثریت نسبی، داوطلب حائز بیشترین آراء در مقایسه با دیگر نامزدها، حتی در صورت اختلاف یک رأی و بدون در نظر گرفتن درصد آراء اکتسابی، پیروز انتخابات می‌شود. اما در سیستم اکثریت مطلق، نامزدی که بیش از نصف آراء را به دست آورد پیروز انتخابات می‌شود. اکثریت مطلق در قیاس با اکثرین نسبی، مشروعیت مردمی بیشتری به نامزد منتخب می‌دهد. متن قانون اساسی مصوب ۱۹۵۸ از

انتخاب رئیس‌جمهور با کسب اکثریت مطلق در مرحله اول سخن گفته است و قید «آراء ابراز شده» در بازنگری سال ۱۹۶۲ به متن آن اضافه گردید. بند ۱ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء ابراز شده انتخاب می‌شود. اگر این اکثریت در اولین مرحله رأی‌گیری کسب نشود، پانزده روز بعد، مرحله دوم انجام می‌گیرد. در این مرحله فقط دو داوطلب حائز بیشترین تعداد آراء در مرحله اول می‌توانند حاضر شوند و در صورت کناره‌گیری این داوطلبان، دو نفر حائز بیشترین آراء نامزدهای باقی مانده می‌توانند حاضر شوند» (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۴۰-۴۳۶). در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه فقط دو نامزدی که در مرحله نخست در مقایسه با دیگر داوطلبان آراء بیشتری کسب کرده‌اند حضور می‌یابند. اما مشخص نیست که در صورت کسب آراء برابر توسط دو نامزد پس از نفر اول، کدامیک از این دو نامزد می‌تواند در مرحله دوم انتخابات حاضر شود.

انتخاب رئیس‌جمهور از طریق انتخابات مستقیم و سیستم اکثریت مطلق در دو دور انجام می‌شود: اگر در دور اول هیچ نامزدی اکثریت مطلق را کسب نکند، دور دوم (دور دوم انتخابات) بین دو نامزد برتر برگزار شده و کسی که در دور دوم اکثریت را به دست آورد برنده است. منطق انتخابات دومرحله‌ای فرانسه این است که انتخاب نامزدها فقط با اکثریت ساده، اصل اساسی دموکراتیک حاکمیت اکثریت را نقض می‌کند. بنابراین، باید سیستمی ایجاد شود تا اطمینان حاصل شود که هر برنده حداقل بیش از ۵۰ درصد (اکثریت مطلق) همه آراء را به دست می‌آورد (Blais & Carty, 2004: 28).

### ۳-۱. مدت زمان دوره ریاست جمهوری

تعیین وظیفه‌های تداوم حکومت و مراقبت بر سرنوشت ملت فرانسه برای رئیس‌جمهور در قانون اساسی جمهوری پنجم، منجر به پذیرش مدت زمان نسبتاً طولانی هفت ساله برای دوره ریاست جمهوری مانند قوانین اساسی جمهوری سوم و چهارم شد. همچنین ایفای نقش داوری برای رئیس‌جمهور و محرومیت وی از دخالت فعال در امور سیاسی کشور، طولانی بودن مدت زمان ریاست جمهوری را توجیه می‌نمود اما دوره هفت ساله ریاست جمهوری با افزایش اختیارات متصدی آن مقام نمی‌توانست سازگار باشد. از زمانی که رئیس‌جمهور به عنوان رئیس اجرایی واقعی کشور مطرح گردید، دوره هفت ساله رئیس‌جمهوری مورد انتقاد قرار گرفت. بر اساس قانون اساسی جمهوری دوم فرانسه مصوب ۱۸۴۸ (مواد ۴۵ و ۴۶) که طول دوره ریاست جمهوری را چهار سال می‌دانست، انتخاب دوباره رئیس‌جمهور به فاصله چهار سال پس از پایان دوره ریاست جمهوری

وی، امکانپذیر بود. این مسأله نهایتاً منجر به کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱ لویی ناپلئون - رئیس‌جمهور مستقر - برای بقا در قدرت سیاسی شد. در نتیجه قانون اساسی جمهوری سوم (ماده دوم قانون ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ در مورد سازمان قوای عمومی) انتخاب مجدد رئیس‌جمهور را بلافاصله امکانپذیر ساخت و ماده ۲۹ قانون اساسی جمهوری چهارم مصوب ۱۹۴۶، بازانتخاب پذیری رئیس‌جمهور را فقط برای یک دوره دیگر به رسمیت می‌شناخت. در متن قانون اساسی جمهوری پنجم مصوب ۱۹۵۸، هیچگونه محدودیتی برای انتخاب مجدد رئیس‌جمهور به صورت متوالی یا غیرمتوالی در نظر گرفته نشده بود. به دلیل تعیین نکردن محدودیت جهت انتخاب مجدد، روسای جمهور مستقر می‌توانستند به صورت متوالی یا غیرمتوالی در رقابت انتخاباتی بعدی نامزد شوند اما در بازنگری قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۸، قانونگذار اساسی محدودیت‌هایی را برای این منظور در نظر گرفت.

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور وقت فرانسه در سال ۲۰۰۷ کمیته‌ای مرکب از حقوقدانان و سیاستمداران را تحت عنوان «کمیته تأمل و پیشنهاد برای مدرن سازی و بازمتوازن سازی نهادهای جمهوری پنجم» به ریاست نخست وزیر اسبق فرانسه، ادوارد بالادور تشکیل داد تا پس از بررسی‌های لازم، پیشنهادهایی را جهت بازنگری احتمالی در قانون اساسی ارائه کند. پیشنهاد کمیته بالادور این بود که محدودیتی برای توالی انتخاب به ریاست جمهوری در نظر گرفته نشود؛ در حالی که نیکولا سارکوزی بارها مخالفت خود را با این امر و لزوم محدودیت انتخاب مجدد بیان کرده و اعتقاد داشت که محدودیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی رئیس‌جمهور با دموکراسی سازگارتر است. بنابراین ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی به ریاست جمهوری در متن پیشنهادی بازنگری قانون اساسی ذکر شده و در قالب بند ۲ ماده ۶ قانون اساسی در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ به صورت زیر به تصویب کنگره رسید: «هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از دو نمایندگی متوالی را انجام دهد». در فرانسه، دوره ریاست جمهوری پنج ساله تغییرناپذیر نیست زیرا می‌تواند زودتر به پایان برسد. بر خلاف سیستم ریاست جمهوری آمریکا، هیچ تاریخی در تقویم وجود ندارد که بتوان آن را برای انتخابات ریاست جمهوری زرو کرد. معاون رئیس‌جمهور وجود ندارد. اگر یک رئیس‌جمهور قبل از پایان دوره ریاست جمهوری خود استعفا دهد (همانطور که شارل دوگل در سال ۱۹۶۹ این کار را انجام داد)، یا اگر یک رئیس‌جمهور در سمت خود بمیرد (مانند ژرژ پمپیدو در ۱۹۷۴)، انتخابات ریاست جمهوری باید بین ۲۰ تا ۳۵ روز پس از توقف تصدی این پست برگزار شود. در جمهوری پنجم، اکثر



نامزدهای ریاست جمهوری از سال ۱۹۶۹ به بعد قبلاً پست نخست‌وزیری را بر عهده داشته اند (LIU, 2000: 3). بند ۱ ماده ۶ قانون اساسی در مورد انتخاب مستقیم و همگانی رئیس‌جمهور است.

### ۳-۲. حق رأی همگانی و انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور

فرانسه در زمره کشورهایی بود که با درنگ و به صورت آرام راه دراز دموکراسی را طی کرد. در این کشور تا سال ۱۸۴۸ شرط رأی دهی، دارایی بود و فقط کسانی می‌توانستند از افتخار رأی‌دهی برخوردار شوند که ضمن ارائه برگه‌های مالیاتی، دارایی کافی خود را به اثبات رسانیده باشند. در این سیستم انتخاباتی که به سانسیتیر مشهور بود، فقط ۲۵۰/۰۰۰ مرد فرانسوی به عنوان شهروند دارنده حق رأی به شمار می‌آمدند. در نتیجه جنبش‌های آزادیخواهانه ۱۸۴۸، بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، نظام انتخاباتی سانسیتیر را از میان برداشته و با اعطای حق رأی به تمامی مردان، نخستین گام را در همگانی شدن حق رأی برداشتند (ایوبی و رسولی، ۱۳۹۱: ۲۰۶-۲۰۵).

گام دوم در همگانی شدن حق رأی در سال ۱۹۴۴ و زمانی که حق رأی زنان در فرانسه به رسمیت شناخته شد، برداشته شد. حضور فعال زنان در عرصه‌های مقاومت در دوران اشغال، نگاه فرانسویان به زنان را تغییر داد و سرانجام در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۴۴ ژنرال دوگل حق رأی را برای زنان فرانسوی به رسمیت شناخت. گام بعدی در افزایش شمار رأی‌دهندگان را ژسکار دستن با کاهش سن رأی به ۱۸ سال برداشت و بیش از دو میلیون نفر بر رأی‌دهندگان کشورش افزود. سرانجام با دادن حق رأی به خارجی‌ها (ملیت‌های غیر اتحادیه اروپا) به شرط پنج سال سکونت در فرانسه در سال ۲۰۰۲، شمار رأی‌دهندگان فرانسوی به ۴۱ میلیون نفر رسید و تقریباً حق رأی همگانی به ساکنان سرزمین فرانسه اعطا شد (ایوبی و رسولی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۰۶).

در جمهوری‌های سوم و چهارم فرانسه، روسای جمهور توسط نمایندگان مجلس و با گردهمایی در مجلس ملی (جمهوری سوم) یا کنگره (جمهوری چهارم) انتخاب می‌شدند. در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری پنجم، تلقی جدید از کارکرد ریاست جمهوری یعنی نقش داوری ریاست جمهوری و رأی‌نهادهای تقنینی و اجرایی، انتخاب رئیس‌جمهوری به دور از تغییرات ناگهانی مجلسین قانونگذاری را لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. از این رو، اصل انتخاب رئیس‌جمهور توسط مجلسین قانونگذاری حذف شد اما متقابلاً امکان پذیرش انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط رأی همگانی مردم نیز وجود نداشت (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۲۴-۴۲۳).

بین انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط مردم و با رأی همگانی و انتخاب غیرمستقیم آن توسط

مجلسین قانونگذاری می‌بایست روش میانه‌ای پذیرفته شود؛ لذا انتخاب رئیس‌جمهور به وسیله نخبگان پذیرفته شد. ماده ۶ قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ مقرر می‌داشت: «رئیس‌جمهور برای هفت سال توسط هیأت انتخاب‌کنندگان مرکب از اعضای پارلمان، شوراهای شهرستان و مجالس سرزمینی فرادریاها (ماوراءبحار) و نیز نمایندگان منتخب شوراهای کمون (شهر یا روستا) انتخاب می‌شود. این نمایندگان عبارتند از شهردار (یا دهیار) برای کمون‌های کمتر از ۱۰۰۰ سکنه، شهردار و اولین معاون برای کمون‌های ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سکنه، شهردار، اولین معاون و یک عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان برای کمون‌های ۲۵۰۱ تا ۳۰۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان و سه عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۳۰۰۱ تا ۶۰۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان و شش عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۶۰۰۱ تا ۹۰۰۰ سکنه، تمام اعضای شورای کمون برای کمون‌های بیش از ۹۰۰۰ سکنه، بعلاوه، برای کمون‌های بیش از ۳۰۰۰۰ سکنه نمایندگان تعیین شده توسط شورای کمون یک نفر در ازای ۱۰۰۰ سکنه بیش از ۳۰۰۰۰. در سرزمین‌های فرادریاهای جمهوری، نمایندگان منتخب شورای واحدهای اداری تحت شرایط مقرر توسط یک قانون ارگانیک، عضو هیئت انتخاب‌کنندگان می‌باشند. مشارکت دولت‌های عضو اتحادیه در هیئت انتخاب‌کنندگان رئیس‌جمهور طبق توافق بین جمهوری و دولت‌های عضو اتحادیه تعیین می‌گردد. شیوه‌های اجرای ماده حاضر توسط یک قانون ارگانیک تعیین می‌شوند» (قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، ماده ۶). بعدها تغییرات زیادی در این قانون ایجاد شد و نهایتاً آخرین تغییرات در قوانین ارگانیک و شیوه‌های اجرایی این تصویب نامه در سال ۲۰۰۷ انجام شد.

به این ترتیب و با توجه به ماده ۶ قانون اساسی جمهوری پنجم، نقش نمایندگان و منتخبین محلی یعنی اعضای شوراهای شهرستان‌ها و کمون‌ها در انتخاب رئیس‌جمهور جدی‌تر از منتخبان ملی یعنی اعضای مجلسین ملی و سنا می‌شد. نهایتاً ژنرال دوگل در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۲ اعلام کرد که بنابر پیشنهاد دولت تصمیم گرفته است تا لایحه‌ای قانونی به منظور تغییر قانون اساسی با هدف انتخاب رئیس‌جمهور به طور مستقیم و با رأی همگانی به مردم فرانسه ارائه کند. در بازنگری قانون اساسی سال ۱۹۶۲ مواد ۶ و ۷ قانون اساسی تغییر یافته و روش انتخاب ریاست جمهوری از روش انتخاب غیرمستقیم توسط نخبگان به روش انتخاب مستقیم توسط مردم با رأی همگانی تغییر یافت و سرانجام قانونگذار اساسی جمهوری پنجم، نظام انتخابات اکثریت دو مرحله‌ای را برای انتخاب

رئیس‌جمهور فرانسه برگزید.

### ۳-۳. شرایط نامزدی ریاست جمهوری

از جمله شرایط نامزدی برای پست ریاست جمهوری در فرانسه می‌توان به داشتن حد اقل ۲۳ سال سن و برخورداری از حقوق شهروندی و عدم محکومیت قضایی نام برد. اما یکی از مهمترین شرایط نامزدی ریاست جمهوری، جمع‌آوری امضاست. برای معرفی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری، در سال ۱۹۶۲ قانونی در پارلمان فرانسه به تصویب رسید که به موجب آن یک شخص برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری نیاز به تأیید حداقل ۵۰۰ شهروند (حامی) دارد که اعضای برخی از نهادهای عمومی هستند. این نهادهای عمومی شامل پارلمان، شورای اقتصادی و اجتماعی (یک نهاد مشورتی قانون اساسی در امور اقتصادی)، شوراهای دپارتمان (که حدود ۳۰۰۰ نفر هستند)، و دفتر شهرداران منتخب (حدود ۳۸۰۰۰ نفر) می‌شوند. برای معتبر بودن تأییدیه، حامیان باید حداقل از اعضای ۳۰ دپارتمان و مناطق فرادریاها باشند و نباید بیش از ۱۰ درصد حامیان از یک دپارتمان یا یک منطقه باشند. این حمایت نه خصوصی و نه محرمانه بلکه عمومی است. این سیستم انتخابات به طور متوسط منجر به شش یا هفت نامزد شده است، گاهی اوقات تعداد نامزدها برای هر انتخابات به ده نفر نیز می‌رسد. یعنی یک نوع گذار از فیلتر شورای قانون اساسی این کشور و با این هدف که هر شخصی درصدد معرفی خود نباشد و تنها افرادی کاندیدا شوند که از یک حداقلی از معروفیت سیاسی برخوردار باشند (Criddle, 2021: 111).

در گذشته جمع‌آوری فقط صد امضاء از نمایندگان (اعم از مجلس ملی یا نمایندگان محلی) مشروط بر آنکه دست کم از ده دپارتمان باشند، کافی بود. در سال ۱۹۷۶ جهت کاستن از شمار نامزدها قانونی به تصویب رسید که به موجب آن تعداد امضاها به پانصد افزایش یافت. به موجب این قانون باید حداقل پانصد امضاء از سی دپارتمان جمع‌آوری می‌شد و تعداد امضاها یک دپارتمان نباید بیشتر از پنجاه مورد باشد. در مجموع حدود چهل هزار نماینده حق امضا دارند که از آن جمله می‌توان به نمایندگان مجلس محلی، شهرداران و اعضای شورای مناطق اشاره کرد. تجربه بیش از نیم قرن جمهوری پنجم نشان داده است که افرادی با پیشینه و پشتوانه خاص می‌توانند به کاخ الیزه راه یابند. ژروم جافره، فرمول زیر را برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری فرانسه پیشنهاد می‌کند:

$$E = N + O + P + X$$

$E$  = شایسته نامزدی؛  $N$  = اشرافیت (نوتوریتیه)؛  $O$  = پایگاه مردمی در افکار عمومی (اوپینون پوپلیک)؛  $P$  = حزب سیاسی غیر افراطی و قوی (پارتی)؛  $X$  = ظرفیت شخصی و شخصیتی به عنوان

رجل سیاسی (ایوبی و رسولی، ۱۳۹۱: ۲۱۴). در مجموع می‌توان گفت همانطور که در فرمول بالا هم ذکر شده است، تمامی روسای جمهور پیشین فرانسه از نوعی اشرافیت برخوردار بوده و از شخصیت‌های سیاسی طراز اول این کشور بوده‌اند. کسب این پانصد امضا در عمل کار چندان ساده‌ای نیست، بنابراین نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری به آسانی ممکن نیست و تنها رجال برجسته سیاسی با پیشینه‌ای روشن می‌توانند در این راه گام نهند. بررسی شمار نامزدهای ریاست جمهوری نشان می‌دهد که تعداد اندکی از مردان سیاست به خود اجازه ورود به این عرصه مهم را می‌دهند. به همین سبب تاکنون هیچ رئیس‌جمهوری از احزاب کوچک و حاشیه‌ای انتخاب نشده و به الیزه راه نیافته است (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۸-۷).

### ۳-۴. نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری

ماده ۵۸ قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی را عهده دار مراقبت از سلامت انتخابات رئیس‌جمهور و اعلام نتایج آن می‌داند: «مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی است. شورای مذکور به اعتراضات رسیدگی کرده و نتایج انتخابات را اعلام می‌نماید». نقش نظارتی شورای نگهبان قانون اساسی بر انتخابات ریاست جمهوری بسیار گسترده تر از نقش این شورا در نظارت بر انتخابات مجلس است. شورای نگهبان قانون اساسی یک دادگاه ویژه در فرانسه است؛ دارای ۹ عضو است که برای مدت ۹ سال انتخاب گردیده و انتخاب مجدد آن‌ها جایز نیست. اعضا شورای نگهبان قانون اساسی هر سه سال یک بار تغییر می‌یابند. ۳ عضو شورای مزبور توسط رئیس‌جمهور و ۳ عضو توسط رئیس‌مجلس شورای ملی و ۳ عضو دیگر توسط رئیس‌مجلس سنا انتخاب می‌گردند. علاوه بر ۹ عضو پیش‌بینی فوق، روسای جمهوری قبلی کشور به صورت مادام‌العمر عضو شورای نگهبان خواهند بود. رئیس شورای نگهبان قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌گردد (قانون اساسی فرانسه، اصل ۵۶) و سه وظیفه قضایی، قانون‌گذاری و انتخاباتی را انجام می‌دهد. این شورا مطابقت لوایح با قانون اساسی قبل از انتشار و نیز مطابقت تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده توسط فرانسه با قانون اساسی این کشور را بررسی می‌کند؛ تصمیم می‌گیرد که آیا قوانین خاصی در صلاحیت پارلمان یا دولت است یا خیر؛ منظم بودن انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان پارلمان را تضمین می‌کند؛ و قبل از اعلام وضعیت اضطراری توسط رئیس‌جمهور با این شورا مشورت می‌شود. علاوه بر این نه عضو، روسای جمهور سابق جمهوری فرانسه باید به طور مادام‌العمر اعضای شورای نگهبان قانون اساسی باشند. رئیس شورای نگهبان قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود (LIU, 2000: 2).

شورای نگهبان قانون اساسی دارای اختیارات «مشورتی» و «محکمه‌ای» در قالب نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری است. اما اختیارات نظارتی این شورا بر انتخابات مجلس کاملاً محکمه ای است. پس از انتشار فرمان دعوت رأی‌دهندگان (دستور شروع انتخابات)، شورای نگهبان قانون اساسی معرفی‌نامه‌های داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را دریافت و فهرست داوطلبان را پس از بررسی انتخاب‌پذیری آنان بر اساس توقعات اساسی و قانونی تنظیم می‌کند. انتشار فهرست داوطلبان بدون شک یکی از تصمیمات شورای قانون اساسی است. بر اساس ماده ۷ فرمان مورخ ۱۴ مارس ۱۹۶۴، شورای نگهبان قانون اساسی شکایات را ارجع به تنظیم فهرست داوطلبان را بررسی می‌کند. قبل از رأی‌گیری، دولت با شورای قانون اساسی درباره سازماندهی عملیات انتخاباتی مانند فرمان دعوت از انتخاب‌کنندگان یا تاریخ ارسال فرم‌های معرفی داوطلبان مشورت می‌کند. ورود شورا در این حوزه به عنوان یک نهاد مشورتی و نه یک محکمه است. با تشکیل کمیسیون ملی نظارت در سال ۱۹۶۴، قسمت اعظم نظارت بر رقابت انتخاباتی از حوزه اختیارات شورای نگهبان قانون اساسی خارج شد. کمیسیون ملی نظارت با فرمان مورخ ۱۴ مارس ۱۹۶۴ شورای وزیران که البته مورد نظارت بر اساسی بودن قرار نگرفت و معایر با قانون اساسی است تشکیل گردید. نظارت بر استفاده برابر داوطلبان از رسانه‌های دیداری و شنیداری بر عهده شورای عالی سمعی و بصری و نظارت بر هزینه‌های رقابت انتخاباتی بر عهده کمیسیون ملی حساب‌های رقابت و مخارج سیاسی است. ورود نهادهایی مانند کمیسیون ملی نظارت، شورای عالی سمعی و بصری و کمیسیون ملی حساب‌های رقابت و مخارج سیاسی در حوزه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر کیفیت نظارت شورای نگهبان قانون اساسی به جای گذارد. ورود این نهادها در حوزه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری نباید به کم‌رنگ شدن نقش نظارتی شورای قانون اساسی به عنوان نهاد اصلی متصدی صیانت از سلامت انتخابات ریاست جمهوری منجر شود (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۵۳-۴۵۱).

شورای نگهبان قانون اساسی می‌تواند به منظور دنبال کردن عملیات انتخاباتی از نزدیک، نمایندگان را در بین قضات عادی یا اداری تعیین کند، این موضوع به شورا امکان می‌دهد تا از نزدیک و به طور مستقیم از تخلفات احتمالی انتخاباتی آگاه شود. معمولاً نمایندگان شورا از بین گزارشگران معین شورای نگهبان قانون اساسی و روسای دیوان‌های تجدید نظر انتخاب می‌شوند و این اشخاص نیز می‌توانند با تفویض رئیس شورای نگهبان قانون اساسی افرادی را از میان قضات دیوان‌های تجدیدنظر، اعضای شورای دولتی، دیوان محاسبات و روسای دادگاه‌های اداری شهرستان

یا واحدهای سرزمینی آنسوی دریاها (فرادریاها) به عنوان نمایندگان شورای قانون اساسی در مکان‌هایی که مراقبت‌های ویژه لازم است تعیین نمایند. نمایندگان شورا نمی‌توانند جایگزین مجریان انتخابات شوند اما می‌توانند توجه آن‌ها را به مسائل عملی یا حقوقی مهم مانند اسناد هویتی لازم برای رأی‌دهندگان، تعداد صندوق‌های حاضر در شعب اخذ رای، لزوم وجود اتاقک‌های انتخاباتی، سلامت آراء و شمارش آن‌ها جلب کنند. این نمایندگان گزارش مکتوبی از ماموریت خود به شورای قانون اساسی ارائه می‌کنند و در صورت درخواست شورا به صورت شفاهی توضیحاتی می‌دهند. اگر تخلفات ارتكابی، آزادی یا صداقت رای‌گیری را خدشه‌دار کنند، شورای قانون اساسی شکایات را بررسی و نتیجه انتخابات را اعلام می‌کند. برخلاف مرحله اول، اعلام نتایج نهایی انتخابات ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان قانون اساسی دارای ویژگی قطعی است که بر همه تحمیل می‌گردد. به عبارت دیگر، تصمیم شورای قانون اساسی دارای اعتبار امر مختومه است (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۵۳-۴۵۴).

#### ۴. نظام انتخاباتی پارلمان فرانسه

قوه مقننه فرانسه مرکب از دو مجلس قانونگذاری است که مجموعاً پارلمان فرانسه را تشکیل می‌دهند. این دو مجلس عبارتند از مجلس شورای ملی و مجلس سنا. مجلس شورای ملی و مجلس سنا هم در حوزه وظایف و اختیارات و هم در شیوه انتخاب اعضا با هم متفاوت هستند. نمایندگان مجلس شورای ملی از طریق آرای عمومی مستقیم انتخاب می‌شوند، نمایندگان مجلس سنا از طریق آرا غیر مستقیم انتخاب می‌گردند و معرف مجامع مناطق مختلف کشور هستند. فرانسویان مقیم خارج از کشور نیز دارای نمایندگانی در مجلس سنا می‌باشند (قانون اساسی فرانسه، اصل ۲۴). رئیس مجلس شورای ملی برای یک دوره مجلس انتخاب می‌شود و رئیس مجلس سنا بعد از هر انتخابات میان دوره‌ای انتخاب می‌شود (قانون اساسی فرانسه، اصل ۳۲). رئیس مجلس ملی به طور همزمان ریاست کنگره فرانسه را نیز بر عهده دارد.

#### ۴-۱. سیستم انتخاباتی مجلس سنا

سیستم دو مجلسی برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ در فرانسه معرفی شد. مانند بسیاری از کشورها، مجلس دوم نقش تعدیل‌کننده مجلس اول - هرچند برای مدت طولانی به عنوان متحد قوه مجریه - را به عهده گرفت. شیوه انتخاب کنونی مجلس سنا به آغاز جمهوری سوم بازمی‌گردد؛ زمانی که آن را به آنچه که لئون گامبتا به نام «شورای بزرگ کمون‌های فرانسه» می‌نامید، تبدیل کردند. گذشت زمان، احساس استقلال به عنوان «نگهبان نهادها» و «نگهبان آزادی‌ها» را در سنا ایجاد کرد و

سناتورها احساس کردند که به طور متوسط از اعضای شورای ملی بزرگتر هستند و در آخرین بخش از مناصب سیاسی خود به مجلس می‌پیوندند (Bremer, 2011: 4).

سنا مجلس اعلا‌ی پارلمان فرانسه است که به همراه مجلس ملی - مجلس پایین - قوه مقننه فرانسه را تشکیل می‌دهند. این نهاد متشکل از ۳۴۸ سناتور است که توسط بخشی از شوراهای محلی کشور (در انتخابات غیرمستقیم) و همچنین توسط نمایندگان شهروندان فرانسوی مقیم خارج از کشور انتخاب می‌شوند. از ۳۴۸ عضو کنونی مجلس سنا، ۳۲۳ نفر نماینده سرزمین اصلی فرانسه، ۱۳ نفر نماینده مناطق و سرزمین‌های خارجی تحت حاکمیت فرانسه یا سرزمین‌های ماوراء بحار و ۱۲ نفر نماینده فرانسوی‌های خارج‌نشین هستند. سنا نسبت به مجلس ملی اول یا مجلس سفلی که با رأی مستقیم همگانی انتخاب می‌شود و دولت باید بر اکثریت آن تکیه کند از اهمیت کمتری برخوردار است: در صورت عدم توافق، مجلس ملی در بسیاری از موارد می‌تواند حرف آخر را بزند. اگرچه سنا در برخی از رویه‌های کلیدی مانند اصلاحات قانون اساسی و مهمتر از همه، قوانین مربوط به خود نقشی را حفظ می‌کند (Bremer, 2011: 3).

تا سال ۲۰۰۴ مجلس سنا دارای ۳۲۱ کرسی بود که ۲۹۶ کرسی مربوط به کلان‌شهرهای فرانسه، ۱۳ کرسی مربوط به دپارتمان‌های فرادریاها (ماوراء بحار)، سرزمین‌ها و مجموعه‌های سرزمینی، و ۱۲ کرسی برای اتباع فرانسوی خارج از کشور است. سناتورها توسط کالج انتخاباتی به مدت نه سال انتخاب می‌شدند. یک سوم مجلس سنا هر سه سال یکبار انتخاب می‌شد (LIU, 2000: 6). از سپتامبر ۲۰۰۴ این مدت زمان به شش سال کاهش یافت. از سوی دیگر، تعداد سناتورها به تدریج تا سال ۲۰۱۱ به ۳۴۸ نفر افزایش یافت. روش انتخاب سناتورها بدین شکل است که هر سه سال یک‌بار، نیمی از سناتورها تغییر می‌کنند. همانند مجلس شورای ملی، سنا تحت رهبری یک رئیس است که پس از هر انتخابات جزئی (انتخاب یک سوم سناتورها) توسط اعضا انتخاب می‌شود. رئیس مجلس سنا، طبق قانون اساسی جمهوری پنجم، اولین نفر در ردیف جانشینی - در صورت فوت، استعفا یا برکناری از سمت - به ریاست جمهوری فرانسه و سرپرستی رئیس‌جمهور تا زمان برگزاری انتخابات جدید است. این امر دو بار برای آلن پوهر اتفاق افتاد - یک بار در هنگام استعفای شارل دوگل و یک بار در هنگام مرگ ژرژ پمپیدو. رئیس مجلس سنا همچنین حق دارد سه عضو از ۹ عضو شورای قانون اساسی را با مدت ۹ سال تعیین کند (Bremer, 2011: 5).

سناتورها به طور غیرمستقیم توسط تقریباً ۱۵۰۰۰۰ مقام، معروف به بزرگان انتخاب می‌شوند، از

جمله شورای‌های منطقه‌ای، شورای بخش‌ها، شهرداران، شورای شهر در کمون‌های بزرگ، و همچنین اعضای مجلس ملی. کالج‌های انتخاباتی بر اساس دپارتمان‌ها هستند. تعداد کرسی‌ها بر اساس جمعیت دپارتمانی است. کالج‌های انتخاباتی متشکل از نمایندگان مجلس ملی، بیش از ۳۰۰۰ نماینده از شوراهای دپارتمان‌ها و بیش از ۱۰۰۰۰۰ نماینده از شوراهای شهرداری هستند. دو روش انتخاباتی وجود دارد: در دپارتمان‌های دارای چهار سناتور یا کمتر، انتخاب سناتورها با اکثریت آراء و در دو مرحله انجام می‌گیرد، و در دپارتمان‌های دارای پنج سناتور یا بیشتر، انتخاب سناتورها با نمایندگی نسبی و با توجه به میانگین بیشترین تعداد آراء انجام می‌شود (از ۲۰۰۴ تغییر پیدا کرده) (LIU, 2000: 5).

با این حال، ۹۰ درصد از انتخاب‌کنندگان نمایندگان هستند که توسط شوراهای منصوب می‌شوند. این سیستم سوگیری را در ترکیب سنا به نفع مناطق روستایی معرفی می‌کند. در نتیجه، در حالی که اکثریت سیاسی به طور مکرر در مجلس ملی تغییر می‌کند، سنا از زمان تأسیس جمهوری پنجم، به استثنای یک دوره کوتاه، از نظر سیاسی راست باقی مانده است که این امر باعث نارضایتی سوسیالیست‌ها شده و جدل سیاسی بین جناح‌های چپ و راست را دامن زده است؛ به ویژه پس از انتخابات ۲۰۰۸ که در آن حزب سوسیالیست، علی‌رغم کنترل همه مناطق فرانسه به جز دو منطقه، اکثر بخش‌ها، و همچنین کمون‌هایی که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت را نمایندگی می‌کنند، هنوز نتوانسته است به موفقیت دست پیدا کند. اکثریت در سنا همچنین متهم شده است که «پناگاه» سیاستمدارانی است که کرسی‌های خود را در مجلس ملی از دست داده‌اند. چپ به رهبری حزب سوسیالیست برای اولین بار از سال ۱۹۵۸ تا کنون، در جریان انتخابات سال ۲۰۱۱ کنترل سنا را به دست آورد. این یک پیروزی کوتاه مدت بود زیرا جناح راست، به رهبری اتحادیه برای یک جنبش مردمی، سه سال بعد دوباره سنا را به دست آورد (Mc Cavana, 2013: 36).

در نتیجه انتخابات خود با تکیه بر آنچه که اغلب به عنوان شهرداران روستایی در نظر گرفته می‌شود، مجلس سنا از سال ۱۹۵۸ تا کنون - به استثناء یک دوره سه ساله در ۲۰۱۱-۲۰۱۴ - در دست اکثریت جناح راست بوده است. به همین دلیل جناح چپ از نظر تاریخی با وجود مجلس دوم مخالفت کرده است؛ در حالی که جناح راست از آن دفاع می‌کند و هر از چند گاهی بحث‌ها بر سر نقش سنا احیا می‌شود. عبارت رایج «سرعت یک سناتور»، ریتم آهسته و آمادگی مجلس عالی برای تصویب قانون جدید را به سخره می‌گیرد. رئیس مجلس سنا در صورت ناتوانی یا خالی بودن پست



ریاست جمهوری، که آخرین بار در سال ۱۹۷۴ اتفاق افتاد، به عنوان سرپرست رئیس‌جمهور فرانسه وارد عمل می‌شود. مجلس سنا در داخل کاخ لوکزامبورگ در منطقه ۶ پاریس قرار دارد و توسط گارد جمهوری خواه محافظت می‌شود (Mc Cavana, 2013: 32).

#### ۲-۴. مجلس شورای ملی؛ رکن قانونگذار و نهاد ناظر بر رئیس‌جمهور

مجلس ملی یکی از ارگان‌هایی است که همراه با سنا، پارلمان فرانسه را تشکیل می‌دهد. مجلس ملی شامل ۵۷۷ نماینده است که با رأی مستقیم همگانی انتخاب می‌شوند. نمایندگان عموماً به احزاب و گروه‌های سیاسی تعلق دارند. ریاست مجلس شورای ملی بر عهده رئیسی است که توسط اعضای آن انتخاب می‌شود. رئیس مجلس شورای ملی توسط یک «کمیته راهبری» که به عنوان کنفرانس روسای جمهور شناخته می‌شود، یاری می‌شود. «کنفرانس رؤسای جمهور» متشکل از رهبران احزاب مختلف پارلمانی است و به طور رسمی، مسئول تخصیص کرسی‌های کمیته‌ها و اختصاص زمان برای بحث در مورد اکثر موارد قانونی است.

مهمترین وظایف و اختیارات مجلس شورای ملی که در قانون اساسی تعیین شده است عبارتند از: تصویب قوانین؛ و نظارت بر دولت. اگر مجلس ملی طرح «توهین» ارائه کند، دولت مجبور به استعفا می‌شود. در صورت لزوم، اعضای مجلس شورای ملی می‌توانند با اعضای مجلس سنا دیوان عالی عدالت تشکیل دهند تا رئیس‌جمهور را به «خیانت» متهم کرده و محاکمه کنند (LIU, 2000: 5). علاوه بر این، در صورتی که مجلس شورای ملی موضوع استیضاح را به تصویب برساند و یا برنامه دولت یا سیاست کلی دولت را رد نماید، نخست وزیر باید استعفای خود را تقدیم رئیس‌جمهور نماید (قانون اساسی فرانسه، اصل ۵۰).

#### ۳-۴. سیستم انتخاباتی مجلس شورای ملی؛ نظامی پیچیده با محوریت احزاب بزرگ

سیستم انتخاباتی اتخاذ شده برای اولین انتخابات قانونگذاری در فرانسه پس از جنگ جهانی دوم، سیستم نمایندگی تناسبی در حوزه‌ها یا مناطق با تعداد کم کرسی‌ها بود؛ بدون اینکه رای‌دهنده امکان استفاده از رأی ترجیحی را داشته باشد. انتخابات مجلس همراه با فراندوم برگزار شد و از رأی‌دهندگان پرسیده شد که آیا می‌خواهند اجازه تشکیل مجلس جدید را بدهند. سیستم نمایندگی تناسبی انتخاب شده، تا حد امکان به شکلی منصفانه حساسیت‌های مختلف سیاسی کشور را نشان می‌داد تا امکان استقرار یک رژیم سیاسی جدید در شرایط مطلوب فراهم شود. کرسی‌ها در مناطق بین فهرست‌های مختلف با استفاده از نمایندگی تناسبی با اعمال مستقیم سهمیه دنت برای کرسی‌های مستقیم، توزیع می‌شدند. کرسی‌های باقی مانده با استفاده از روش تخصیص بالاترین

میانگین اختصاص داده می‌شدند (Toubeau, 2012: 2).

روش دنت همچنین روش جفرسون یا روش بزرگترین مقسوم علیه نیز نامیده می‌شود. این روش، روشی است برای اختصاص کرسی‌های پارلمان میان دولت‌های فدرال یا میان لیست احزاب در سیستم‌های نمایندگی تناسبی. این روش برای اولین بار توسط توماس جفرسون رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا ابداع شد. این روش به طور مستقل در سال ۱۸۷۸ مجدداً توسط ریاضیدان بلژیکی ویکتور دنت ابداع شد و به همین دلیل با این دو نام متفاوت به کار برده می‌شود (Gallagher, 1991: 35-36).

پس از شمارش همه آراء، ضریب‌های متوالی برای هر حزب محاسبه می‌شود. حزبی که بیشترین ضریب را دارد یک کرسی را به دست می‌آورد و ضریب آن دوباره محاسبه می‌شود. این کار تا زمانی که تعداد صندلی‌های مورد نیاز پر شود تکرار می‌شود. فرمول ضریب است:

$$\text{Quot} = V / (S + 1)$$

$V$  تعداد کل آرای است که حزب دریافت کرده است و

$S$  تعداد کرسی‌هایی است که حزب تاکنون به آن اختصاص داده است، در ابتدا برای همه احزاب صفر است.

مجموع آرای داده شده برای هر حزب در حوزه انتخاباتی، ابتدا بر ۱، سپس بر ۲، سپس بر ۳، تا تعداد کل کرسی‌هایی که برای حوزه/حوزه انتخابی تخصیص داده می‌شود، تقسیم می‌شود. فرض کنیم که  $P$  حزب و صندلی وجود دارد. سپس می‌توان شبکه‌ای از اعداد با ردیف‌های  $P$  و ستون‌های  $S$  ایجاد کرد، که در آن ورودی در ردیف  $I$  و ستون  $J$  تعداد آرای کسب شده توسط حزب  $I$  است که تقسیم بر  $J$  می‌شود. ورودی‌های برنده  $S$  بالاترین اعداد در کل شبکه هستند. به هر حزب به تعداد ورودی‌های برنده در ردیف خود کرسی داده می‌شود.

در این مثال، ۲۳۰۰۰۰ رأی‌دهنده تصمیم می‌گیرند که ۸ کرسی را بین ۴ حزب تعیین کنند. از آنجایی که قرار است ۸ کرسی تخصیص داده شود، کل آرای هر حزب بر ۱، سپس بر ۲، ۳ و ۴ (و در صورت لزوم، بر ۵، ۶، ۷ و غیره) تقسیم می‌شود. ۸ بالاترین ورودی‌ها هستند که با ستاره مشخص شده‌اند و از ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ متغیر است. برای هر کدام، حزب مربوطه یک کرسی می‌گیرد. توجه داشته باشید که در دور ۱، ضریب نشان داده شده در جدول، همانطور که از فرمول حاصل شده است، دقیقاً تعداد آرای برگشتی در برگه رأی است (Wilson, 2020: 1).

مخرج	۰/۱	۰/۲	۰/۳	۰/۴	کرسیهای - برده شده (*)	نسبت واقعی
حزب الف	۱۰۰/۰۰۰*	۵۰/۰۰۰*	۳۳/۳۳۳*	۲۵/۰۰۰*	۴	۳/۵
حزب ب	۸۰/۰۰۰*	۴۰/۰۰۰*	۲۶/۶۶۷*	۲۰/۰۰۰	۳	۲/۸
حزب ج	۳۰/۰۰۰*	۱۵/۰۰۰	۱۰/۰۰۰	۷/۵۰۰	۱	۱/۰
حزب د	۲۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰	۶/۶۶۷	۵/۰۰۰	۰	۰/۷
تمام کرسی ها					۸	۸

Source: (Wilson, 2020: 1)

از سال ۱۹۴۵، فرانسه چندین سیستم نمایندگی تناسبی و رأی‌گیری دو مرحله‌ای و همچنین سیستم مختلط را در یک دوره کوتاه آزمایش کرده است. سیستم نمایندگی تناسبی، در عمل از آغاز جمهوری چهارم تا سال ۱۹۵۱ در فرانسه اجرا می‌شد. این سیستم انتخاب نمایندگان را با استفاده از فهرست حزبی در مناطقی که تعداد کمی از کرسی‌ها به اکثریت اختصاص یافته بود، مجاز می‌ساخت. اصلاحات انتخاباتی سال ۱۹۵۱ یک سیستم مختلط را ایجاد کرد که در آن لیست چندین حزب متحد در صورت کسب اکثریت مطلق آراء، توانایی دریافت تمام کرسی‌های دپارتمان را داشتند. در سال ۱۹۵۸، رأی‌گیری دو مرحله‌ای، که قبلاً بیشتر در جمهوری سوم به کار می‌رفت، توسط ژنرال دوگل مجدداً احیاء شد و از آن زمان تا کنون به قوت خود باقی مانده است؛ به جز در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۶، زمانی که اصلاحات انتخاباتی دولتی برای مدت کوتاهی سیستم نمایندگی تناسبی را به تفکیک مناطق دوباره برقرار ساخت. در سال ۱۹۸۶، مجلس شورای ملی قانونی را تصویب کرد که به سیستم دو مرحله‌ای بازگشت. این سیستم امروزه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (Toubeau, 2012: 2).

مجلس ملی، مجلس سفلی پارلمان دو مجلسی فرانسه، اکنون دارای ۵۷۷ نماینده است. از ۵۷۷ نماینده منتخب، ۵۳۹ نماینده کلان شهر فرانسه، ۲۷ نماینده بخش‌های خارج از کشور و گروه‌های خارج از کشور هستند. ۱۱ نماینده ساکنان فرانسه در خارج از کشور هستند. نمایندگان مجلس ملی هر یک توسط یک حوزه انتخابیه تک نفره (حداقل یک نفر در هر بخش) از طریق سیستم رأی‌گیری

دو مرحله ای انتخاب می‌شوند. بنابراین برای اکثریت به ۲۸۹ کرسی نیاز است. دوره شورای ملی پنج سال است. با این حال، رئیس جمهور می‌تواند مجلس را منحل کند (در نتیجه انتخابات جدید را برگزار کند) مگر اینکه در دوازده ماه گذشته منحل شده باشد. این اقدام از زمانی که فراندوم سال ۲۰۰۰ دوره ریاست جمهوری را از هفت سال به ۵ سال کاهش داد، نادرتر شد: از سال ۲۰۰۲، رئیس جمهور همیشه دو ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری اکثریت را در مجلس کسب کرده است. بر این اساس، انحلال آن سود چندانی نخواهد داشت. به دلیل تفکیک قوا، روسای جمهور نمی‌توانند در بحث‌های مجلس ملی شرکت کنند. با این حال، آن‌ها می‌توانند در کنگره پارلمان فرانسه که در کاخ ورسای تشکیل می‌شود سخنرانی کنند، یا سخنرانی آن‌ها توسط رؤسای هر دو مجلس پارلمان خوانده شود، بدون اینکه مناظره بعدی انجام شود. پیرو سستی که توسط اولین مجلس ملی در طول انقلاب فرانسه آغاز شد، احزاب «جناح چپ» از صندلی رئیس جمهور به سمت چپ و احزاب «جناح راست» در سمت راست می‌نشینند. بنابراین ترتیب صندلی به طور مستقیم نشان‌دهنده طیف سیاسی است که در مجمع نمایندگی می‌شود. مقرر رسمی مجلس ملی، کاخ بوربون در رودگوش رود سن در منطقه هفتم پاریس است (Mc Cavana, 2013: 337-38).

از سال ۱۹۸۸، ۵۷۷ نماینده با رأی مستقیم عمومی و با سیستم دو مرحله ای بر اساس حوزه انتخابیه، برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند. حوزه‌های انتخابیه هر کدام حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارند. قانون انتخابات ۱۹۸۶ مشخص می‌کند که اختلاف جمعیت آن‌ها در یک بخش نباید از ۲۰ درصد تجاوز کند. برای انتخاب شدن در دور اول رأی‌گیری، یک نامزد باید حداقل ۵۰ درصد آراء و حداقل ۲۵ درصد از رای دهندگان ثبت نام شده در فهرست‌های انتخاباتی را به دست آورد. به عنوان مثال، در حوزه ای که ۱۰۰۰ رأی دهنده ثبت نام کرده اند، یک کاندیدا برای انتخاب شدن در مرحله اول رأی‌گیری، در صورتی که ۴۹۹ رأی ریخته شود، حداقل به ۲۵۰ رأی نیاز دارد. اگر هیچ نامزدی این تعداد رأی را به دست نیاورد، رأی‌گیری دوم انجام می‌شود که در آن اکثریت نسبی کافی است؛ یعنی کاندیدایی که بیشترین تعداد آراء را به دست آورد، انتخاب می‌شود. کسانی که بیش از ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) از آراء رای‌دهندگان ثبت نام شده را کسب کنند به دور دوم رأی‌گیری راه پیدا می‌کنند. اگر سه نامزد یا بیشتر از این شرایط برخوردار نباشند، دو کاندیدایی که بالاترین رتبه را دارند به طور خودکار به دور دوم رأی‌گیری راه می‌یابند - که در آن، نامزدی که بیشترین آراء را کسب کند انتخاب می‌شود. هر کاندیدا همراه با یک جایگزین ثبت نام می‌شود، که در صورت عدم

توانایی یا محرومیت در دوران تصدی، جای نامزد را می‌گیرد (Mc Cavana, 2013: 39).

حوزه‌های انتخابیه مناطق انتخاباتی هستند که بر اساس جمعیت تقسیم بندی می‌شوند. تقسیم‌بندی‌های مناطق انتخاباتی هر ۱۲ سال یکبار بررسی مجدد می‌شوند. نمایندگان مجلس شورای ملی بر اساس یک نظام انتخاباتی یک نفره و مستقیم انتخاب می‌شوند. قوانین انتخاباتی فرانسه نحوه برگزاری انتخابات نمایندگان را تعیین کرده است. همه شهروندان ۲۳ سال به بالا می‌توانند در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت کنند و همه افراد ۱۸ سال به بالا می‌توانند رای دهند. نمایندگان برای پنج سال انتخاب می‌شوند و در صورت انحلال پارلمان توسط رئیس‌جمهور، دوره آن‌ها کوتاه می‌شود (LIU, 2000: 5).

#### ۴-۴. چگونگی تبدیل رأی به کرسی نمایندگی در انتخابات مجلس ملی

نظام انتخاباتی به چگونگی تبدیل رأی به کرسی تعریف می‌شود. پس از آنکه آراء رأی‌دهندگان به صندوق ریخته شد، آراء صحیح شمارش شده و به کرسی نمایندگی تبدیل می‌شود. شیوه این تبدیل در واقع همان نظام انتخاباتی آن کشور است. نظام انتخاباتی فرانسه، نظام اکثریت مطلق است. بدین ترتیب برای به دست آوردن کرسی نمایندگی پارلمان در فرانسه، به دست آوردن حداقل نصف بعلاوه یک آراء لازم است. از آنجا که کسب چنین آرای می‌مکن نیست، انتخابات در بیشتر حوزه‌های انتخابیه به دور دوم کشیده می‌شود. این نظام انتخاباتی را اکثریتی دو مرحله‌ای نیز می‌نامند. در انتخابات پارلمان فرانسه، کشور بر اساس تعداد کرسی‌ها، به حوزه انتخابی تقسیم می‌شود. این نوع حوزه‌بندی را «تک منصبی» هم می‌نامند. در نتیجه این نظام انتخاباتی، مشکلات نظام اکثریتی نسبی به خوبی مرتفع می‌شود؛ زیرا نماینده انتخابی به دلیل برخورداری از آراء کافی در حوزه انتخابی خود، از پایگاه مردمی قابل قبولی برخوردار است. در این نوع نظام انتخاباتی، احزاب با تمام قوا در مرحله نخست انتخابات وارد این کارزار سیاسی می‌شوند. اما در مرحله دوم چاره‌ای جز ائتلاف وجود ندارد. در نتیجه گروه‌های همسو با همدیگر هم پیمان شده و دو قطب چپ و راست شکل می‌گیرد (ایوبی و رسولی، ۱۳۹۱: ۲۱۰-۲۰۹).

در واقع فرانسه تنها دموکراسی مستقر است که دارای انتخابات دو مرحله‌ای برای انتخابات مجلس عوام است. در این سیستم، آراء با فرمول خاصی تبدیل به کرسی می‌شوند. در حالت عادی، یک حزب باید انتظار داشته باشد که با یک سهم آراء مشخص، کرسی‌هایی را بدست آورد؛ در یک سیستم کاملاً متناسب، سهم کرسی باید برابر سهم آراء باشد. حزبی که ۱۰ درصد آراء را کسب کند، ۱۰ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد. اما تقریباً در هیچ جا تناسب کاملی بین سهم کرسی و سهم

آراء حتی در سیستم‌های تناسبی نیز وجود ندارد. در همه جا یک پاداش برای احزاب بزرگی که نسبت بیشتری از آراء را به خود اختصاص می‌دهند در نظر گرفته شده است؛ اگرچه این پاداش به سطح حوزه انتخابی کاهش می‌یابد و در سیستم‌های تناسبی ملی بسیار کوچک می‌شود (Rae, 1971: 41).

در سیستم انتخابات دو مرحله‌ای مجلس فرانسه، رابطه بین کرسی‌ها و رأی‌ها، به نسبت (لگاریتم) تعداد کل آراء و کرسی‌ها، به علاوه اندازه منطقه و تعداد احزاب موثر بستگی دارد (Taagepera, 1986: 80). جالب اینجاست که معمولاً هیچ اشاره‌ای به فرمول انتخاباتی نمی‌شود. مفهوم این امر این است که سیستم‌های دو مرحله‌ای باید همانند سیستم‌های اکثریت نسبی کار کنند، به شرطی که هر دو دارای مناطق تک عضو باشند. در سیستم‌های اکثریت نسبی احزاب ضعیف به شدت آسیب می‌بینند. سوال این است که آیا سیستم دو مرحله‌ای فرانسه تبعیض‌های مشابه، قویتر یا ضعیف‌تری ایجاد می‌کند؟ تحلیل رابطه کرسی - رأی در فرانسه گرایش شدیدی به این تبعیضات را نشان می‌دهد اما در نهایت رابطه کرسی - رأی ضریب تعیین کمتری دارد، که این امر نشان می‌دهد سایر عوامل محاسبه نشده نیز نقش مهمی در این تبعیضات دارند (Blais & Indridason, 2007: 69).

به عنوان مثال حزب میانه (نه بزرگ و نه کوچک) در نمونه ما اگر ۱۰ درصد آراء را کسب کند، فقط ۵ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد. در صورتی این حزب اگر ۲۰ درصد آراء را کسب کند، تقریباً به همان نسبت یعنی ۱۸ درصد کرسی‌ها را به دست می‌آورد؛ اما در صورت کسب ۵ درصد از آراء، فقط ۰/۵ درصد از کرسی‌ها (حدود چند کرسی) را تصاحب می‌کند. از طرف دیگر، حزبی که موفق به کسب ۴۰ درصد آراء شود باید انتظار داشته باشد که حدود ۶۲ درصد کرسی‌ها را بدست آورد. بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود، در سیستم انتخاباتی دو مرحله‌ای فرانسه، هر چه درصد آراء یک حزب بیشتر باشد، تعداد کرسی‌های آن حزب در مجلس به صورت تصاعدی بیشتر می‌شود و هر چه تعداد آراء کمتر باشد، تعداد کرسی‌های آن حزب نیز کاهش می‌یابد (Blais & Loewen, 2009: 348).

نسبت بین درصد آراء مشارکت کنندگان با صندلی های پیش بینی شده

درصد آراء	درصد کرسی های پیش بینی شده
۵	۰/۵
۱۰	۵
۱۵	۱۱
۲۰	۱۸/۴
۲۵	۲۷/۲
۳۰	۳۷/۴
۳۵	۴۹
۴۰	۶۲
۴۵	۷۶/۵
۵۰	۹۲/۴

از این رو احزاب برای به حداکثر رساندن تعداد کرسی های خود وارد ائتلاف می شوند؛ بنابراین باید انتظار داشته باشیم که احزابی که موفق به معامله با دیگران می شوند عملکرد بهتری داشته باشند. نکته جالب توجه این است که همبستگی بین آراء و کرسی ها در آن دسته از احزاب که به یک ائتلاف تعلق دارند، بسیار بیشتر است؛ در آراء کمتر از ۱۰ درصد، احزاب کرسی های کمتری به دست می آورند، در حالی که وقتی بیش از ۲۰ درصد آراء را کسب می کنند، پاداش می گیرند و تعداد کرسی ها بیشتر می شود. برای احزابی که در ائتلاف نیستند، پیش بینی ها خیلی کمتر روشن است. بهترین مدل نشان دهنده یک اثر خطی است که در آن سهم کرسی ها تقریباً سه چهارم سهم آراء است. این امر ممکن است متناقض به نظر برسد زیرا انتظار داریم احزاب بزرگ عملکرد بهتری داشته باشند. مسأله این است که این نمونه شامل تعداد بسیار کمی از احزاب بزرگ می شود؛ زیرا احزاب بزرگ تقریباً همیشه عضو یک ائتلاف هستند. بنابراین یک سوگیری انتخاب وجود دارد که باید در نظر گرفته شود (Blais & Loewen, 2009: 349).

اما نتایج گذشته حاکی از آن است که در میان احزاب کوچک، آنهایی که عضو یک ائتلاف هستند از نظر کرسی ها عملکرد بهتری نسبت به احزابی که هیچ معامله ای انجام نمی دهند، ندارند. از این رو به نظر می رسد که عضویت در یک ائتلاف حداقل در میان احزاب کوچک به کرسی های بیشتر کمک نمی کند. به طور خلاصه، احزاب کوچک به طور سیستماتیک نمایندگان کمتر و احزاب

بزرگ به طور سیستماتیک نمایندگان بیشتری در سیستم انتخاباتی دو مرحله‌ای فرانسه دارند. بنابراین و بنا بر دلایل ذکر شده، اتحادها و ائتلاف‌های انتخاباتی در سیستم‌های انتخاباتی دو مرحله‌ای بسیار بیشتر از سیستم یک مرحله‌ای است و رابطه رأی-کرسی برای احزابی که به یک اتحاد تعلق دارند بسیار قابل پیش‌بینی تر است. برای احزابی که بخشی از ائتلاف نیستند، ارتباط بین سهم-کرسی و سهم-آراء تا حدی تصادفی به نظر می‌رسد (Blais & Massicotte, 1997: 32).

احزاب در انتخابات مجلس قانونگذاری در هر منطقه سه گزینه دارند: ارائه کاندیدا به تنهایی، معرفی نامزد در اتحاد با احزاب دیگر یا عدم معرفی کاندیدا. وقتی اتحاد وجود دارد، اتحاد ممکن است قبل یا بعد از اولین مرحله انتخابات باشد. از این منظر، طرفین با سه تصمیم در یک سیستم دو مرحله‌ای روبرو می‌شوند: ورود یا خروج، (در صورت ورود) به تنهایی یا در اتحاد؛ و در مورد اتحادها، معامله را زود انجام دهند یا دیر، قبل یا بعد از اولین مرحله. این تصمیمات می‌توانند توسط احزاب محلی گرفته شوند یا توسط احزاب ملی هدایت شوند. این ائتلاف‌ها همچنین می‌توانند شرایطی را برای چگونگی حمایت احزاب از یکدیگر پس از انتخابات، نحوه توزیع مناصب کابینه و غیره شامل شوند (یا نشوند) (Blais & Loewen, 2009: 354).

گلدردر پژوهشی در مورد ائتلاف‌های پیش از انتخابات دریافت که از سال ۱۹۴۶ تاکنون برای هر دو حزب احتمالی در ۲۲ کشور، اتحادها در ۵/۳ درصد اتفاق افتاده است؛ که این میزان در جمهوری پنجم فرانسه ۲۲/۵ درصد است. اگر دفعات انتخابات را با ائتلاف قبل از انتخابات در نظر بگیریم، اختلاف به همان اندازه قابل توجه است. گلدردر متوجه شد که درصد انتخابات با ائتلاف پیش از انتخابات در سیستم‌های اکثریت ۲۷ درصد و در سیستم‌های تناسبی ۴۶ درصد است. در جمهوری پنجم فرانسه تنها اولین انتخابات بدون اتحاد بود. با این حال، با افزایش اندازه ائتلاف فراتر از یک آستانه خاص، این احتمال شروع به افزایش می‌کند. این احتمالاً بیشتر احتمال اتحاد بین احزاب بزرگ و کوچک را نشان می‌دهد تا ائتلاف‌های بین احزاب کوچک. روی هم رفته، این نتایج حاکی از آن است که تشکیل اتحاد در فرانسه کاملاً متفاوت از سایر سیستم‌های انتخاباتی است. بر این اساس، این معما از ماهیت و میزان تأثیر روانشناختی سیستم دو مرحله‌ای انتخابات در احزاب ریشه دارد (Goldr, 2006: 205).

#### ۴-۵. نظارت بر انتخابات پارلمان

نظارت بر انتخابات پارلمان فرانسه (مجلسین سنا و شورای ملی) از وظایف و اختیارات شورای نگهبان قانون اساسی است. در صورت اعتراض، نسبت به حسن اجرای انتخابات اعضای مجلس



شورای ملی و مجلس سنا، شورای نگهبان نظارت کامل می‌نماید (قانون اساسی فرانسه، اصل ۵۹). اختیارات نظارتی این شورا بر انتخابات مجلس کاملاً محکمه ای است. نظارت بر انتخابات‌های سیاسی ملی در فرانسه از جمله انتخابات مجلس شورای ملی و سنا بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی است. این نظارت در قالب رسیدگی به شکایات و حل و فصل دعاوی انتخاباتی اعمال می‌شود.

بنابراین اگر چنانچه شکایتی علیه سلامت انتخاب یک نماینده مجلس ملی یا یک سناتور مطرح نشود، شورا در این حوزه وارد نخواهد شد. صلاحیت قاضی انتخابات پارلمانی در فرانسه محدود است و این نهاد بر اساس آیین دادرسی ترافعی و کتبی به رسیدگی می‌پردازد. در صورتی که تخلفات ارتكابی در در حوزه‌های مختلف سازماندهی و عملیات انتخاباتی همانند تبلیغات، رأی‌گیری و شمارش آراء به گونه ای باشند که صداقت انتخابات را خدشه دار و یا امکان ارزیابی صداقت آن را از قاضی انتخابات سلب کنند، شورای قانون اساسی به ابطال نتیجه رأی‌گیری دست می‌زند (تقی زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

دامنه صلاحیت شورای قانون اساسی در نظارت بر انتخابات ملی، بر اساس نوع انتخابات متفاوت است. در حالی که دامنه نظارت شورا در انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی شامل مرحله مراقبت و پیشگیری از وقوع تخلف و مرحله رسیدگی و پیگیری تخلفات و نهایتاً اعلام نتایج قطعی انتخابات است (اصول ۵۸ و ۶۰ قانون اساسی فرانسه)، در انتخابات پارلمانی همانطور که ذکر شد وفق اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه نظارت شورای قانون اساسی به مرحله رسیدگی و حل و فصل دعاوی انتخاباتی محدود می‌شود.

البته ورود شورای قانون اساسی در حوزه انتخابات به نظارت بر سلامت انتخابات ملی محدود نیست. شورا به عنوان نهاد متصدی صیانت از قانون اساسی نیز در این حوزه دخالت می‌کند. قوانین ارگانیک نیز باید الزاماً باید برای شورای قانون اساسی فرستاده شوند تا درباره‌ی اساسی بودن آنها، یعنی انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با قانون اساسی اظهار نظر کند. اصل ۲۵ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: «مدت دوره هر یک از مجلسین و تعداد اعضا آن و حقوق و شرایط انتخاب و موارد عدم صلاحیت آن‌ها توسط قانون خاص معین می‌گردد. همچنین توسط قانون مذکور شرایط افرادی که در صورت تعذر نمایندگان، می‌توانند در مجلس شورای ملی و سنا تا تجدید انتخابات عمومی یا میان دوره‌ای همان مجلس به عنوان جانشین آن‌ها انتخاب شوند تعیین می‌گردد».

بنابراین براساس اصل ۲۵ قانون اساسی فرانسه موضوعاتی مانند طول دوره مجلس، تعداد اعضای آن، شرایط انتخاب پذیری، نظام انتخاباتی و ممنوعیت جمع مشاغل در صلاحیت قانونگذاری ارگانیک است که شورای قانون اساسی باید مطابقت یا عدم مطابقت آن ها با قانون اساسی را بررسی کند. در تقسیم بندی حوزه های انتخابیه نیز شورای قانون اساسی بر نقش جمعیت به عنوان معیار اصلی توزیع کرسی ها برای خدشه دار نشدن اصل برابری مندرج در اصل ۳ قانون اساسی تأکید دارد و معتقد است که منفعت عمومی می تواند تنها تفاوت های جزئی بین جمعیت حوزه های انتخابیه را توجیه کند. شورای قانون اساسی قوانین انتخاباتی ناشی از زد و بندهای سیاسی برای تعیین حوزه های انتخابیه بدون لحاظ عنصر جمعیت را مغایر با قانون اساسی می داند. حل و فصل و رسیدگی به شکایات در خصوص انتخابات پارلمانی در صلاحیت شورای قانون اساسی است؛ اما پیش از تصویب قانون اساسی جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۸، این وظیفه در قالب رسیدگی به اعتبارنامه ها بر عهده مجالس پارلمانی بود (تقی زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۱۸).

### نتیجه گیری

فرانسه کشوری است با نظام سیاسی خاص خود که تقریباً منحصر به فرانسه بوده و شبیه هیچ کشور دیگری در دنیا نیست. این سیستم سیاسی ترکیبی از نظام ریاستی و پارلمانی یا نیمه ریاستی- نیمه پارلمانی است. رئیس جمهور در راس قوه مجریه قرار دارد و در طی زمان از مقامی تشریفاتی تبدیل به مقام اجرایی عالی نظام سیاسی فرانسه شده است. انتخاب رئیس جمهور نیز طی فراز و فرودهای فراوان در طول تاریخ، نهایتاً از انتخاب غیرمستقیم توسط مردم، پس از اصلاحات قانون اساسی جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۸، این مقام اجرایی با رأی مستقیم و همگانی شهروندان فرانسوی انتخاب می شود. شرایط نامزدی ریاست جمهوری در فرانسه به گونه ای است که عملاً نوعی اشرافیت سیاسی را حاکم بر این نهاد کرده و افراد مستقل و غیر حزبی راهی به کاخ الیزه ندارند. نظام انتخابات ریاست جمهوری فرانسه یک نظام انتخاباتی دومارحله ای مبتنی بر اکثریت مطلق است و چنانچه هیچ نامزدی نتواند پنجاه بعلاوه یک را در مرحله اول انتخابات کسب کند، انتخابات به دور دوم کشیده شده و بین دو نامزد که بیشترین تعداد آراء را در مرحله اول کسب کرده اند برگزار می شود. نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی فرانسه است و این شورا وظیفه نظارت و رسیدگی به انتخابات ریاست جمهوری و اعلام قطعی نتایج این انتخابات را بر عهده دارد. قوه مقننه فرانسه نیز یک سیستم دو مجلسی است که مرکب از مجلس شورای ملی و مجلس سنا است که مجموعاً به این دو نهاد، پارلمان می گویند. سناتورهای مجلس سنا به طور

غیرمستقیم و از طریق کالج های انتخاباتی برگزیده می شوند. اما نظام انتخابات مجلس ملی فرانسه یک نظام تناسبی پیچیده است. این سیستم یک سیستم دو مرحله ای مبتنی بر اکثریت مطلق در مرحله اول انتخابات است. برای انتخاب شدن در دور اول رأی گیری، یک نامزد باید حداقل ۵۰ درصد آراء و حداقل ۲۵ درصد از رأی دهندگان ثبت نام شده در فهرست های انتخاباتی را به دست آورد. اگر هیچ نامزدی این تعداد رأی را به دست نیاورد، رأی گیری دوم انجام می شود که در آن اکثریت نسبی کافی است؛ یعنی کاندیدایی که بیشترین تعداد آراء را به دست آورد، انتخاب می شود. کسانی که بیش از ۱۲/۵ درصد (یک هشتم) از آراء رأی دهندگان ثبت نام شده را کسب کنند به دور دوم رأی گیری راه پیدا می کنند. پس از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج نهایی، آراء به کرسی تبدیل می شوند. در این مرحله، احزاب و لیست های انتخاباتی نقش اصلی را بازی می کنند. شیوه تبدیل آراء به کرسی اینگونه است که هر چه درصد آراء توسط یک حزب یا یک لیست انتخاباتی بیشتر باشد، به صورت تصاعدی سهم آن ها از کرسی های مجلس نیز بیشتر می شود و هر چه درصد آراء مأخوذه توسط لیست های انتخاباتی کمتر باشد، تعداد کرسی های آن ها نیز کمتر می شود. به عنوان مثال اگر حزبی ۱۰ درصد آراء را کسب کند، فقط ۵ درصد کرسی ها را به دست می آورد. در صورتی این حزب اگر ۲۰ درصد آراء را کسب کند، تقریباً به همان نسبت یعنی ۱۸ درصد کرسی ها را به دست می آورد؛ اما در صورت کسب ۵ درصد از آراء، فقط ۰/۵ درصد از کرسی ها (حدود چند کرسی) را تصاحب می کند. از طرف دیگر، حزبی که موفق به کسب ۴۰ درصد آراء شود باید انتظار داشته باشد که حدود ۶۲ درصد کرسی ها را بدست آورد. بنابراین این سیستم انتخاباتی در عمل به نفع احزاب بزرگ و به زیان احزاب کوچک است. به همین دلیل معمولاً احزاب ترجیح می دهند که به سمت ائتلاف های انتخاباتی رفته و چند حزب با هم ائتلاف کنند تا سهم بیشتری از کرسی های مجلس به دست آورند.

## منابع

- ایوبی، حجت الله (۱۳۹۱)، «دو قرن منازعه بین دولت و مجلس در فرانسه»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۲۱، شماره پیاپی ۲۱، بهار، صص ۱۰۸-۷۷.
- ایوبی، حجت الله و مجید رسولی (۱۳۹۱)، «پیامدهای سیاسی انتخابات فرانسه»، فصلنامه مطالعات جهان، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۳۲-۲۰۳.

- تقی‌زاده، جواد(۱۳۸۵)، «شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخابات پارلمانی»، *مجله اندیشه‌های حقوقی*، سال چهارم، شماره دهم، بهار و تابستان، صص ۱۵۲-۱۱۵.
- تقی‌زاده، جواد(۱۳۸۸)، «انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۲، شماره ۴۹، پیاپی ۴۹، شهریور، صص ۴۵۹-۴۲۱.
- خالوزاده، سعید(۱۳۹۱)، *ارزیابی تحلیلی نظام سیاسی - انتخاباتی فرانسه*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- Blais, Andre & Ken Carty (2004), "The Psychological Impact of Electoral Laws: Measuring Duverger's Elusive Factor", **British Journal of Political Science**, N.21, PP. 79-93.
- Blais, Andre & Peter John Loewen (2009), "The French Electoral System and its Effects", **West European Politics**, Vol. 32, No. 2, March 2009, PP. 345-359.
- Blais, Andre & Indridi Indridason (2007), "Making Candidates - Count: The Logic of Electoral Alliances in Two Round Legislative Elections", **Journal of Politics**, N. 69, PP. 193-205 .
- Blais, Andre & Louis Massicotte (1997), "Electoral Formulas: A Macroscopic Perspective", **European Journal of Political Research**, N. 32, PP. 107-129.
- Criddle, Byron (2021), "Electoral Systems in France", Oxford University Press, Available At: <https://academic.oup.com/pa/article/45/1/108/1527130> by guest on 07 March 2021.
- Criddle, Byron (2021), "Electoral Systems in France", Oxford University Press, Available At: <https://academic.oup.com/pa/article/45/1/108/1527130> by guest on 07 March 2021.
- Gallagher, Michael (1991), "Proportionality, Disproportionality and Electoral Systems", **Electoral Studies**. Volume 10, Issue 1, March 1991, Pages 33-51. At: [https://doi.org/10.1016/0261-3794\(91\)90004-C](https://doi.org/10.1016/0261-3794(91)90004-C).
- Golder, Sona (2005), "Pre-Electoral Coalitions in Comparative Perspective: A Test of Existing Hypotheses", **Electoral Studies**, N. 24, PP. 643-663.
- Golder, Sona (2006), "Pre-Electoral Coalition Formation in Parliamentary Democracies", **British Journal of Political Science**, N. 36, PP. 193-212.
- LIU, Eva (2000), "Systems of Government in Some Foreign Countries: France", **Research and Library Services Division Legislative Council Secretariat**. 5th Floor, Citibank Tower, 3 Garden Road, Central, Hong Kong. Pp. 1-34. At: <http://legco.gov.hk>.
- Rae, Douglas (1971), **The Political Consequences of Electoral Laws**, New Haven, CT: Yale University Press.
- Taagepera, Rein (1986), "Reformulating the Cube Law for Proportional Representation Elections", **American Political Science Review**, N. 80, PP.489-504.

Toubeau, Simon (2012). "Electoral System Change in Europe since 1945: France", ESCE, at: <http://www.esce.com>.

Wilson, Helen J. (2020), "The D'Hondt Method Explained", Mathematics Department UCL, at: <https://www.ucl.ac.uk/~ucahhwi/dhondt.pdf>.

## **Analysis of Elections and Electoral System in the French Republic**

**Alireza Salawati**

PhD Student in Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Hojatullah Darvishpour**

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author). Email: Dr.darvishpur2018@yahoo.com

**Ahmad Bakshaish Ardestani**

Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Masoud Motallebi**

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### ***Abstract:***

France is a country with parliamentary-presidential system in which both President and parliament are chosen by the majority vote; therefore, elections and popular vote have a very special place in the political structure of France and the French have always viewed elections with special sensitivity. Therefore, the current study aims to investigate the electoral system of the French Republic. The main question of this research is on what basis was the French electoral system formed? The thesis of this research is that the French electoral system is a two-stage electoral system with an "absolute majority" in the first election and a "relative majority" in the second election. This means that both in the presidential election and the national assembly election, the candidates must receive at least half of the votes, otherwise the election will be moved to the second round in which the first two candidates in the presidential election and in the National Assembly who get at least 12.5% of the votes will go to the second round of the election. In the second stage, which is based on simple majority, the candidates who get the most votes win the election. The main complication of the French elections is in allocating seats to the winning parties in the National Assembly elections. The seats are divided between the winning parties based on a special formula. The more vote received by the parties and campaigns, the more seats are to be taken by them exponentially. The formula for calculating the votes and transforming them into seats is that to whatsoever extend the votes of the parties increases, their seats are as the result increase exponentially. For instance, if A party wins 10% of the votes, B party 20% and C party 40%, A party would win only 5% of the seats, B party 18% and C party 62% of the! All this means that the main parties would take most of the seats and the minor parties are marginalized! This is why many of the parties would merge to be able to win more seats.

**Keywords:** Elections, France, Relative Majority, absolute Majority, Dentte Formula and Pluralism.